

---

# مستند رادیویی به زبان آدمیزاد!

(راهنمای عملیاتی تولید مستند رادیویی از صفر تا صد)

ترجمه، تحقیق و نگارش:

مهدی آذری

زهره صفاییان



نشر نویسه پارسی

(Parsian Language Press Publishing)

تهران، ۱۴۰۱



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

عنوان و نام پدیدآور

مستند رادیویی به زبان آذمیزاد ( راهنمای عملیاتی تولید مستند رادیویی از صفر تا صد) /

مشخصات نشر

ترجمه، تحقیق و نگارش: مهدی آذری، زهرا صفاییان

مشخصات ظاهری

تهران: نشر نویسه پارسی، ۱۴۰۱.

شابک

۱۷۷ ص.: مصور، جدول، نمودار

۹-۵۰-۷۳۸۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی

فیا

یادداشت

رادیو — ایران — برنامه‌ها

موضوع

رادیو — برنامه‌ها — برنامه‌ریزی

موضوع

رادیو — تولید و کارگردانی

شناسه افزوده

آذری، مهدی، ۱۳۵۷ - نویسنده

شناسه افزوده

صفاییان، زهرا، ۱۳۴۰ - نویسنده

شناسه افزوده

بخششده، پریسا، ۱۳۶۵ - ویراستار

شناسه افزوده

صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران. معاونت صدا

رده‌بندی کنگره

PN۱۹۹۱/۷۵

رده‌بندی دیویی

۷۹۱/۴۴۰.۲۳۲

شماره کتابشناسی ملی

۸۸۱۸۶۹۴

## مستند رادیویی به زبان آدمیزاد!

■ راهنمای عملیاتی تولید مستند رادیویی از صفر تا صد ■

ترجمه، تحقیق و نگارش: مهدی آذری، زهرا صفاییان

ویراستار: پریسا بخشنده

مدیریت هنری: Studio Five ■ چاپ و صحافی: روز

چاپ اول، تهران، بهار ۱۴۰۱ ■ ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۶-۵۰-۹

مرکز پخش:

پخش گسترش، تهران، خیابان دماوند، خیابان شهید باباییان، خیابان خورشید، پلاک ۳۱  
تلفن: ۹۱۰۰۶۰۱۰

نمایندگی فروش:

کتابفروشی توس، تهران، خیابان انقلاب، نیش خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸  
تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷



نشر نویسه پارسه  
Neveeseh Press/Tehran1399

تلفن دفتر انتشارات: ۷۷۰۵۳۲۴۶ ایمیل: info@neveeseh.com

ارتباط با نشر نویسه پارسه: ۰۹۰۲۱۰۰۵۱۶۱

www.neveeseh.com

© تمامی حقوق این اثر برای نشر نویسه پارسه محفوظ است.

هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

علوم اجتماعی: ۱ ■ مسلسل انتشارات: ۱۵۲

یک توضیح لازم:

نویسندگان این کتاب تصمیم گرفتند تا برای ایجاد فضایی صمیمی برای خواننده، از فعل مفرد در روایت‌هایشان استفاده کنند.



## فهرست مطالب

۷	..... به جای مقدمه
۱۷	..... فصل اول: مستند رادیویی چیست؟
۲۵	..... فصل دوم: روایت چیست؟!
۲۸	..... ۱. آغاز
۲۸	..... ۲. لحظه ورود
۲۹	..... ۳. ساختار روایت (ساختمان روایت)
۳۵	..... ۴. طرح
۳۶	..... ۵. تعجب
۳۸	..... ۶. تعارض
۴۱	..... فصل سوم: موضوع مستند را از کجا پیدا کنم؟!
۴۴	..... ۱. خبرها
۴۶	..... ۲. تاریخ
۴۷	..... ۳. کنجکاوی در فرهنگ عامه
۴۸	..... ۴. زندگینامه
۴۹	..... ۵. چند نکته بسیار مهم درباره انتخاب موضوع مستند
۵۵	..... فصل چهارم: تولید مستند رادیویی
۵۵	..... ۴-۱. ضبط میدانی
۸۰	..... ۴-۲. افکت

۸۹	۳-۴. موسیقی
۹۲	۴-۴. اسناد صوتی
۹۳	۵-۴. راوی
۹۴	۶-۴. مستند نوشت یا رادیو نوشت برای مستند رادیویی

## فصل پنجم: گونه‌شناسی انواع مستند رادیویی ..... ۱۰۵

۱۰۶	۱. ارکان مستند
۱۱۰	۲. طبقه‌بندی بر اساس اهداف و رویکرد
۱۲۷	۳. طبقه‌بندی بر اساس فرآیند تولید
۱۴۷	۴. طبقه‌بندی بر اساس ساختار
۱۵۷	۵. طبقه‌بندی بر اساس شیوه‌های مواجهه با واقعیت

## به جای مؤخره ..... ۱۷۱

۱۷۳	منابع و مأخذ
-----	--------------

## به جای مقدمه

وقتی در هر یک از کلاس‌های آموزشی‌ام به هنرآموزان اصرار می‌کنم که کتاب بخوانند، جمله‌ای از دوستی مرتب توی گوشم زنگ می‌زند. «کتاب عین قرص خواب می‌مونه! تا دستت می‌گیری، خوابت می‌گیره!» و این جمله چقدر طلائی است! به‌ویژه اگر کتابی را که به دست می‌گیری، از آن دست کتاب‌های دانشگاهی با مفاهیم نظری باشد. نوشته‌ها در کوتاه‌مدتی به‌نوعی قرص خواب‌آور خیلی قوی تبدیل می‌شوند و تمام التماس‌ها هم به پلک‌های چشم است که «تو را به هرکسی دوست داری، باز بمان!» به هیچ‌جا نمی‌رسد؛ اما چندی قبل کتابی را خواندم به نام «برنامه‌سازی خلاق در رادیو» نوشته کوینسی مک کوی<sup>۱</sup>. کتابی با ادبیاتی که تا پیش از آن برایم آشنا نبود. ترکیبی شگفت‌انگیز از مصاحبه، بنیان‌های نظری، پیشنهاد، توصیه و راهکار که هر

---

<sup>۱</sup> Quincy McCoy

صفحه‌اش آدم را وادار به اندیشیدن می‌کرد و برای دانستن بیشتر به صفحه بعدی‌اش سرک بکشد. چیزی شبیه به یک برنامه ترکیبی خوب رادیویی که وادارت می‌کند روی ایستگاه بمانی و موج را عوض نکنی. با خود فکر کردم که در طول این سال‌های دراز، در سبک نگارش مفاهیم، به‌ویژه از نوع دانشگاهی‌اش، هیچ تغییری به وجود نیامده و شاید باید اندکی درباره آن تأمل شود. تمام این واژه‌ها را نگاشتم تا از خواندن فصول پیش رو زیاد تعجب نکنید.

استارکی<sup>۱</sup> در کتاب فوق‌العاده‌ی خود «رادیو در متن»<sup>۲</sup> می‌نویسد «ژانر مستند، برای شنونده‌ها چندان آشنا نیست» (استارکی؛ ۲۰۰۴: ۲۰۶). خانم شاهنده در مجله تخصصی رادیو می‌نویسد «مفهوم مستند رادیویی به‌تازگی توجه برنامه‌سازان رادیویی را به خود جلب کرده است» (شاهنده؛ ۱۳۹۰: ۳۶). خانم غندالی نیز در کتاب ویژگی‌های مستند رادیویی، تنها کتابی که سعی در گونه‌شناسی مستند رادیویی دارد می‌نویسد: «مستند در تلویزیون قالبی است که بارها مورد توجه قرار گرفته و مطالعات زیادی درباره آن انجام شده است، اما این قالب که در رادیو هم استفاده می‌شود و برنامه‌سازان و تهیه‌کنندگانی، علاقه‌مند به‌کارگیری آن هستند، کمتر مطالعه و بررسی شده است و بر همین

---

<sup>۱</sup> Starkey

<sup>۲</sup> Radio in Text



اساس ویژگی‌های آن ناشناخته باقی مانده است» (غندالی؛ ۱۳۹۰: ۱۰). به‌طور خلاصه، چه منابع خارجی و چه منابع ایرانی از تازه بودن این ساختار یا دست‌کم از ناشناخته بودن ویژگی‌های آن نوشته‌اند و وقتی قرار می‌شود پیرامون چیزی بنویسی که درباره‌اش اطلاعات کمی وجود دارد، در دسرهای فراوانی را باید تحمل کنی؛ اما قول می‌دهم چکیده تمام آنچه در منابع ایرانی و خارجی از مستند رادیویی وجود دارد، به همراه تمامی تجربه‌های این سال‌های مستندسازان رادیویی را در کنار هم بگذارم تا خواننده محترم بدون گشت‌وگذار بیش از حد و خسته‌کننده، به هرآنچه نیاز دارد، دست یابد. چقدر تعریف کردیم از خودمان! یادمان رفت که «مشک آنست که خود ببوید! نه آنکه عطار بگوید!» الان یادمان آمد!

سابقه‌ی مستند رادیویی خیلی زیاد و خیلی کم است! یعنی چه؟ الان عرض می‌کنم. تا پیش از دهه ۳۰ میلادی یعنی تقریباً تا سی سالگی رادیو هیچ برنامه‌ای که بتوان نام مستند رادیویی بر آن نهاد در هیچ یک از ایستگاه‌های شناخته‌شده وجود نداشت. البته نه این‌که ما، برنامه‌سازان قرن بیستم و بیست‌ویکم خیلی خلاق تشریف داشته باشیم و تصور کنیم باهوش‌تر از برنامه‌سازان روزهای اول رادیو هستیم. نخیر! ظرفیت مستندسازی با توجه به

شناختی که از سینمای مستند وجود داشت، برای همه برنامه‌سازان آن زمان هم عین روز روشن بود، اما موضوع ضعف فناوری را نباید فراموش کرد. توانایی ثبت اصوات در فضای بیرون از استودیو در آن روزگار را می‌توان تقریباً در حد غیرممکن ارزیابی کرد. اولین مستند رادیویی ثبت‌شده را شاید باید مربوط به سال ۱۹۳۷ و موضوع سقوط بالن هیندنبرگ<sup>۱</sup> و پس از آن مجموعه شش‌ماهه CBS در سال ۱۹۳۹ با عنوان «همه آمریکایی‌ها... همه تازه‌واردها...» با موضوع زندگی جوامع کوچ‌نشین به آمریکا دانست. البته فراموش نکنیم که این اولین مستندهای رادیویی را اگر امروز بررسی کنیم شاید هرگز در ساختار مستند نگنجانیم، اما این دلیل نمی‌شود که حرکت تاریخی‌شان را فراموش کنیم. خروج از استودیو و تلاش برای بین مردم بودن. خودمانیم، همین امروز هم با این همه وسایل جمع‌وجور ضبط صدا، بسیاری از همکاران برنامه‌ساز از برنامه‌سازی خارج از استودیو فراری هستند، پس باید آن‌هایی را ستود که در دهه ۳۰ میلادی، به‌اندازه یک کامیون ابزار با خود همراه می‌کردند تا بتوانند بین مردم باشند.

در قاره اروپا که رادیو بی‌بی‌سی<sup>۲</sup> امپراتوری رادیو را به نام خودش ثبت کرده بود «تا قبل از سال ۱۹۴۴ فقط و فقط

<sup>۱</sup> Hindenburg disaster

<sup>۲</sup> BBC

برنامه‌هایی را که شامل موسیقی، نمایش، سرگرمی و ورزش بود از طریق امواج رادیویی به سمع شنوندگان می‌رساند، ولی پس از آن به این نتیجه رسید که خط‌مشی برنامه‌های ترکیبی به پایان رسیده و به‌ویژه جنگ جهانی دوم سبب شد زمان آن فرا برسد که رادیو به صورت یک رسانه بسیار سریع خبری وارد میدان شود» (غندالی؛ ۱۳۹۰: ۱۸). البته یک چیز را هم فراموش نکنیم که خواندن تطبیقی تاریخ می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای را ایجاد کند. یعنی چه؟ یعنی این که در تاریخ آمده؛ «بی‌بی‌اس»<sup>۱</sup> به یاری ادوارد، آر، مورو<sup>۲</sup> گزارشگر خلاق خود، بر بام نمایندگی این شبکه در لندن، گزارش‌هایی از حمله‌های هوایی آلمانی‌ها به لندن را همانند کسی که شاهد ماجرا بود، به تمام ایالات متحده مخابره می‌کرد» (مارک؛ ۲۰۱۱: ۱۲) اولین مستندهای محض رادیویی را پایه‌ریزی کرد و پخش کرد و این به آن معناست که تهیه‌کنندگان بی‌بی‌سی وقتی دیدند آمریکایی‌ها با اتخاذ این روش چقدر تأثیرگذار هستند، به شدت حسودی کردند. البته! حسودی از نوع سازنده و «بی‌بی‌سی در این زمان بود که متوجه شد علاوه بر برنامه‌های سرگرم‌کننده، برنامه‌هایی که گویای واقعیت اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی باشد نیز مورد نیاز مخاطبان رادیو است»

<sup>۱</sup> CBS

<sup>۲</sup> Edward R. Murrow

(کرایسلر؛ ۱۳۸۱: ۳۶). از اینجا به بعد ماشین خلاقیت برنامه‌سازان انگلیسی که در گوشه‌ای متوقف شده بود، روشن شد و با سرعت شروع به حرکت کرد. «خبرنگاران و گزارشگران ورزیده بی‌بی‌سی نظیر ریچارد دیمبلی<sup>۱</sup> آموزش‌های نظامی می‌دیدند و سپس به خطِ مقدم جبهه اعزام می‌شدند. این خبرنگاران با استفاده از ضبط صوت و با تدوین ماهرانه، گزارش‌های خبری را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کردند. برنامه خبری «گزارش جنگ» که با این شیوه تهیه و از ششم ژوئن ۱۹۴۴ پخش شد، حدود ده تا پانزده میلیون شنونده دائمی و همیشگی داشت» (غندالی؛ ۱۳۹۰: ۱۹) البته کمی بیش از یک سال پس از این تاریخ، جنگ جهانی دوم به پایان رسید و تازه جنگ بین رسانه‌ها بر پایه آموخته‌هایشان از جنگ جهانی آغاز شد. رسانه‌ها در طول جنگ به میزان قدرت و نفوذشان بر افکار عمومی پی برده بودند و همین موضوع سبب ادامه چنین روش واقع‌گرایانه حتی پس از جنگ می‌شود «در این دوره رادیو چهره‌ای مولد و خلاق از خود نشان داد. تهیه برنامه‌های واقعی و مستند که گاه با چاشنی خلاقیت‌های نویسندگی همراه بود و همچنین تولید برنامه‌هایی با آمیزه‌ای از گفتار، گفتگو، تمهیدات صوتی از نوآوری‌های رادیو در این دوره

---

<sup>۱</sup> Richard Dimbleby

بود» (کرایسلر؛ ۱۳۸۱: ۳۹). جایی می خواندم که دو جنگ جهانی اول و دوم به علوم و فناوری خدمت بسیاری کرده و از آنجا که احتیاج مادر اختراع است و صد البته برای رفع احتیاجات ناشی از جنگ ها، بشر پیشرفت فراوانی در حوزه های مختلف داشته است. فکر می کنم باید توسعه برخی از ساختارهای رادیویی به ویژه ساختاری به نام مستند رادیویی را نیز مدیون جنگ جهانی دوم دانست. «بعد از فعالیت های بی بی سی - که از دیگر رقبای خود در زمینه ی مستند پیشی گرفته بود- شبکه های رادیویی دیگری همچون دبلیو آر دی<sup>۱</sup> و دی آر ای<sup>۲</sup> از آلمان و همچنین برخی از شبکه های رادیویی در روسیه نیز اقدام به ساخت برنامه های مستند کردند» (لاورخ؛ ۱۳۷۸: ۲۷۰). و این جمله به آن معناست که تازه چند سال پس از جنگ جهانی، شبکه های یکی یکی به موضوع مستند رادیویی علاقه مند شدند، در حالی که تا همان موقع برنامه سازی رادیو در دیگر ساختارها حدود نیم قرن سابقه داشت. در دهه ۷۰ میلادی و با به وجود آمدن رادیوی عمومی ملی<sup>۳</sup> در آمریکا، دوباره مستندهای رادیویی به شیوه ای غیرتجاری و آموزشی تغییر ماهیت دادند و در مدت

<sup>۱</sup> WRD

<sup>۲</sup> DRA

<sup>۳</sup> Public Broadcasting Service(PBC)

کوتاهی برنامه‌هایی چون «همه آنچه مطالعه شده» شیوه‌های خلاق برنامه‌سازی مستند در قلمروی رادیو را توسعه بخشیدند. خودمانیم، یعنی دو دهه ۵۰ و ۶۰ تقریباً هیچ حادثه خلاقیتی در عرصه مستند رادیویی رخ نمی‌دهد و همه شبکه‌ها همچنان از همان آموزه‌های قدیمی جنگ جهانی دوم بهره می‌بردند. اما در طول همین دو دهه، انواع دیگر برنامه‌سازی به شدت توسعه پیدا کرده‌اند و خلاقیت در شیوه، شکل، ساختار و محتوای برنامه‌های رادیو موج می‌زند. در واقع باید گفت مستند رادیویی را چندان جدی نگرفته بودند. بیچاره مستند رادیویی! باین همه ظرفیت!! اما خب! دنیا که همیشه یک‌جور نمی‌ماند. در دهه ۹۰ میلادی بزرگ‌ترین گذار از سیستم آنالوگ به دیجیتال اتفاق می‌افتد و از اواخر این دهه، همه‌گیری فضای مجازی فرصت تازه‌ای برای تولیدکنندگان علاقه‌مند غیرحرفه‌ای، برای بروز خلاقیتشان در قالب شیوه‌ای به نام پادکست فراهم می‌آورد. پادکست‌هایی که بسیاری از آن‌ها مستندهای خلاق، شنیدنی و دوست‌داشتنی بودند. پس، برنامه‌سازان عزیز! به هوش! به گوش! امروز علاقه‌مندان به دنیای شگفت‌انگیز اصوات، تمامی ابزار حرفه‌ای مورد نیاز را همراه دارند و ما حرفه‌ای‌ها، تقریباً هیچ برتری نسبت به آن‌ها نداریم مگر سلاح تجربه و دانش. کوتاه‌سخن این‌که اگر

قرار باشد در میدان مسابقه رسانه‌ای به عده‌ای جوان و نوجوان علاقه‌مند نبازیم، باید بخوانیم، بدانیم، بسازیم و آن قدر این کارها را ادامه بدهیم تا بتوانیم حرف تازه‌ای برای گفتن داشته باشیم. همان‌طور که اول این بخش هم گفتم سابقه مستند رادیویی خیلی زیاد و خیلی کم است! خیلی زیاد، چراکه ۷۵ سال است که شبکه‌های رادیویی برنامه‌های واقع‌گرایانه زیر عنوان مستند رادیویی تولید می‌کنند. خیلی کم، چراکه در طول حدود پانزده سال اخیر، نگاه نظریه‌پردازان به موضوع مستند رادیویی بسیار جدی شده و بر اساس مفاهیم نظری، بسیاری از برنامه‌ها که روزگاری مستند رادیویی شناخته می‌شدند، زیرگروه ساختارهای دیگر قرار می‌گیرند. خیلی زیاد! خیلی کم!

هنر متر ندارد! خدا رحمت کند مرتضی ممیز را که این جمله ورد زبانش بود. اگر ما برنامه‌سازی رادیویی به‌ویژه تولید مستند رادیویی را آفرینش هنری بدانیم، پس می‌بایست باور کنیم که متری برای اندازه‌گیری وجود ندارد. اما متأسفانه برداشت از این جمله در بسیاری از مواقع اشتباه بوده و تصور نبود هیچ نوع اصولی بین برخی از برنامه‌سازان به چشم می‌آید. برای مستند رادیویی هم اصول پذیرفته‌شده نظری و دانشگاهی در تمام دنیا وجود دارد و باید آن‌ها را آموخت و به کار گرفت. خودمان را گول

نزنیم! قرن بیست و یکم، قرن تخصص است. تنها برای جراحی بخش مچ دست تا نوک انگشتان حدود نه تخصص پزشکی وجود دارد. این ریزبینی و کوشش در دسته‌بندی‌های تخصصی در هنر نیز روزبه‌روز کارآمدتر می‌شود. پس لطفاً با جمله کاملاً صحیح هنر متر ندارد خودمان را از میدان مسابقه حذف نکنیم و بیاموزیم که هرآنچه را که قرار است بسازیم، هرآنچه را قرار است ارزیابی کنیم، هرآنچه را قرار است حتی بشنویم، بر اساس اصول پذیرفته‌شده قضاوت کنیم. بیاموزیم باورهای سلیقه‌ای ما باید وزن کمتری به خود بگیرد و وزن دانش می‌بایست بیشتر و بیشتر شود. باقی این بخش بماند برای سطرهای پایانی کتاب و زودتر سراغ مستند رادیویی برویم.



## فصل اول: مستند رادیویی چیست؟

فرض کنید با خیال راحت نشسته‌اید توی اتاق کارتان و چای خوب دم کشیده سر صبحتان را جرعه‌جرعه سر می‌کشید و البته برای تعطیلات آخر هفته هم برنامه‌ریزی می‌کنید که به شما خبر می‌رسد مدیرتان با شما کار دارد. وقتی روبروی مدیر مهربانتان ایستاده‌اید، حتی تا آخر حرف‌هایش تقریباً متوجه نشده‌اید چه بلایی سرتان آمده است. مدیر عزیز! پس از کلی هندوانه زیر بغلتان گذاشتن که مانند شما وجود ندارد و کلاً سخت است مثل شمایی داشته باشد و این حرف‌ها، دستور داده که حداکثر تا شنبه صبح، یک مستند رادیویی روی میزش باشد. شما هم که آن حرف‌های اولش حسابی بادتان کرده بود، بدون هیچ اعتراضی می‌پذیرید و از دفترش بیرون می‌زنید؛ اما پس از چند لحظه به این فکر می‌کنید که تمام خیال‌پردازی‌های مختلف برای تعطیلات آخر

هفته از بین رفته. باز هم با خود می‌اندیشید که اشکالی ندارد، کار است دیگر ... یک مستند رادیویی تولید می‌کنم. یک ... یک چه؟! تازه یادتان می‌آید که تا امروز هرگز مستند رادیویی تولید نکرده‌اید و اساساً خیلی درباره‌ی این ساختار نمی‌دانید!! عجب شرایط بدی! بسیار خوب! بر خودتان مسلط می‌شوید و تصمیم می‌گیرید هر جور شده از پس اوضاع بر بیایید. در قدم اول به خودتان می‌گویید بهتر است کمی اطلاعات درباره این ساختار از یک فارغ‌التحصیل رشته‌های هنری جمع‌وجور کنم. یکی از آن‌ها را هدف قرار می‌دهید و با کلی صغرا و کبرا چینی در حالی که انگار در حال امتحان گرفتن از ایشان هستید، پرسش اصلی را می‌پرسید و گوشتان را تیز می‌کنید. مستند رادیویی چیست؟! جوان فارغ‌التحصیل مدنظر که اتفاقاً همیشه نمراتش خوب بوده، دست می‌کند توی جزوه‌هایش و بی‌وقفه تلاش می‌کند از این امتحان یک دفعه‌ای شما سربلند بیرون بیاورد. «مستندها، برنامه‌های ضبط شده‌ای هستند که با مدت قریب یک ساعت پخش می‌شوند و شرکت‌کنندگان و مواد و منابع تأثیرگذار متعددی را به کار می‌گیرند» (صادقی؛ ۱۳۸۶: ۵۲). خب! یعنی اگر برنامه کمتر از یک ساعت مثلاً بیست دقیقه باشد، مستند نیست؟! یعنی مستند رادیویی حتماً باید یک ساعت باشد؟! «مستند رادیویی، ارائه‌ی یک واقعیت

غیرخبری یا خبری به شیوه‌ای عمیق و تحلیلی، گاهی با نگاه به جنبه‌های سرگرمی آفرین است که عمیقاً در انتقال مفاهیم موفق بوده است» (مک کوی؛ ۱۳۸۶: ۳۷). با این تعریف که بسیاری از برنامه‌های تولیدی شما در دسته مستند می‌گنجد، چون هم واقعیت غیرخبری و خبری را گاهی با نگاه سرگرمی آفرینی به مخاطب منتقل کرده‌اید و هم با توجه به تعداد پیامک و پیام‌های تلفنی فهمیده‌اید که خیلی موفق بوده‌اید. از جمله برنامه عصرگاهی چند روز قبلتان با موضوع همسایه‌داری. ولی نه! احتمالاً باید فرقی وجود داشته باشد که به آن می‌گویند برنامه ترکیبی و به این می‌گویند مستند. جوان قصه ما جزوه‌اش را ورق می‌زند و تعاریف جدیدی را می‌خواند. «در شکل‌گیری برنامه‌ها گاه پیامی به استناد واقعیات و اسناد گوناگون و بر پایه پژوهش عرضه می‌شود که تمام یا بخشی از یک واقعیت تاریخی، روانی، اجتماعی و امثال آن به صورت رادیویی مطرح می‌شود. چنین برنامه‌هایی را اصطلاحاً برنامه مستند رادیویی می‌گویند» (برخوردار؛ ۱۳۸۱: ۸۰). لبخند می‌زنید و اندکی خیالتان راحت می‌شود، چون بر اساس این تعریف همان برنامه چند روز قبل، نیز که بر پایه پژوهش عرضه شده بود و هم بخشی از یک واقعیت اجتماعی را مطرح می‌کرد، مستند است. اکنون چند تعریف